

مشارکت سیاسی خاتون‌ها در دولت سلجوقیان ایران

طاهره رحیم‌پور ازغدی*

فریبا علاسوند**

چکیده

دولت سلجوقیان در اوایل قرن پنجم هجری از میان ترکان مهاجر از شرق ایران برآمدند و با پیروزی بر غزنویان و آل‌بویه، وسیع‌ترین امپراتوری اسلامی را ایجاد کردند. مشارکت زنان در قدرت در دوره سلجوقیان، یک پدیده شاخص بود و آثار آن در منابع تاریخی دیده می‌شود. پژوهش حاضر، با استناد به منابع تاریخی بویژه فرهنگنامه‌ها و تاریخ‌های سیاسی درصدد پاسخ به این پرسش است که خاتون‌های سلجوقی چگونه و در چه حوزه‌هایی بر بدنه سیاسی دولت تاثیرگذار بودند؟ نگارندگان بر این باورند که ملکه‌های سلجوقی هوشمندانه به شیوه مستقیم از راه‌هایی چون مشاوره با سلاطین، ایجاد تشکیلات مستقل، فشار بر شاهان سلجوقی در تعیین ولیعهد و ورود در رقابت‌های سیاسی موجود در دربار و به طور غیرمستقیم با ازدواج‌های سیاسی در ایجاد روابط دیپلماسی با دولت‌های دیگر، بر تمامی نهادهای دولتی اشراف و در ساختار دیوانی و تحولات سیاسی و نظامی نقش داشتند.

واژگان کلیدی

خاتون‌های سلجوقی، مشارکت زنان، عزل و نصب، تاریخ سیاسی.

rahimpoor@ferdowsi.um.ac.ir

alasdvand.f@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۶/۷/۱۹

*. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد.

** استادیار مرکز تحقیقات زن و خانواده.

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۱۷

طرح مسئله

اگرچه مطالعات تاریخی نشان می‌دهد میزان مشارکت سیاسی زنان در حکومت‌ها اسلامی که شامل عمل سیاسی و تصدی مناصب دولتی است، همواره از مردان پایین‌تر بوده است، دخالت زنان در ساختار سیاسی در دوره سلجوقیان، یک پدیده شاخص و بارز بود و در منابع تاریخی آثار قابل توجهی از این مداخله دیده می‌شود. دانشمندان علوم اجتماعی و سیاسی ضمن بررسی جایگاه زنان در حکومت‌ها، پاسخ‌های متفاوتی به چرایی سطح پایین مشارکت زنان داده‌اند؛ اما درباره نقش مؤثر زنان سلجوقی می‌توان گفت حاکمیت آداب و رسوم اقوام ترک، تساهل مذهبی پادشاهان، اهمیت مسئله زناشویی در خانواده، کوچ‌نشینی قبیله و نقش پررنگ بانوان سلجوقی در اقتصاد متکی بر دام‌پروری، خاتون‌های قصر را به مهره‌های مهم در جریان‌های سیاسی تبدیل کرده بود.

با توجه به نقش چشمگیر سلاجقه در تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران بعد از اسلام و مشارکت سیاسی زنان در این دوران، پژوهش حاضر، با استناد به منابع تاریخی به‌ویژه فرهنگ نامه‌ها و تاریخ‌های سیاسی ضمن بررسی تأثیر زنان خاندان سلجوقی در عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در صدد یافتن پاسخ این پرسش است که نفوذ سیاسی خاتون‌های سلجوقی به چه شیوه‌ای بود و چه تأثیراتی بر بدنه سیاسی دولت گذاشت؟

نگارندگان بر این باورند که ملکه‌های سلجوقی از راه‌هایی همچون مشاوره با سلاطین، ایجاد تشکیلات مستقل، اشراف بر مناصب دولتی، فشار بر پادشاهان، در تعیین سلاطین و ورود در رقابت‌های سیاسی موجود در دربار، نقش فعال و موثری در ساختار حکومتی و تحولات سیاسی داشتند.^۱

زنان درباری به‌طور مستقیم و با هوشمندی و شجاعت، حتی با مداخله در برپایی جنگ و ایجاد صلح برای تعیین جانشین سلطان با بالاترین مقام دولتی؛ یعنی وزیران درگیر می‌شدند و برای نیل به مقاصد سیاسی گاهی به ترور و قتل مخالفان خود اقدام کرده و حتی از بذل جان و مال خود دریغ نمی‌کردند. تاریخ از سرگذشت ملکه‌هایی گزارش داده که به دست دشمنان خود به قتل رسیده‌اند.^۲ ازدواج بانوان سلجوقی با خلفای عباسی و حاکمان محلی و دولت‌های هم‌جوار نیز از شیوه‌های غیر مستقیم نفوذ آنان در امور کشوری و لشکری بود. گفتنی است برخی از خاتون‌های سلجوقی جاه‌طلب و فتنه‌جو بودند^۳ و مداخله آنها در امور حکومتی آثار زیان‌باری برجای می‌گذاشت و باعث اختلاف بین

۱. لمبتون می‌نویسد «زنان حکومت کرده و به زنانی که مستقیم یا غیرمستقیم در کار سلطنت شوهران و فرزندان خود شریک بودند و فراوان برمی‌خوریم». لمبتون، *تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران*، ص ۲۸۴.

۲. کرمانی، *سلجوقیان و غز در کرمان*، ص ۳۲.

۳. انصاف‌پور، *ساخت دولت در ایران از اسلام تا یورش مغول*، ص ۳۵.

سلطان، وزرا و صاحب منصبان می‌شد^۱

این نوشتار با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و ارائه شواهد تاریخی مستند بر تواریخ عمومی، دودمانی و اجتماعی، نخست جایگاه و عملکرد زنان مؤثر در امور کشوری و لشکری را بررسی و برخی از مشارکت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آنان را بیان کرده و سپس مهم‌ترین فعالیت‌های سیاسی آنان در دوران سلاجقه بزرگ را نقد و بررسی نموده است.

درباره جایگاه زنان در تاریخ ایران اسلامی آثاری چون زن در عصر افشاریه و زندیه،^۲ صفویه؛^۳ و مغول^۴ موجود است، اما تألیف خاصی در مورد زنان دوره سلجوقی در دست نیست. البته درباره سه زن از شخصیت‌های مقتدر این دوره ذیل واژه ترکان خاتون در *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی* و *دانشنامه جهان اسلام* گزارش‌های مختصری بیان شده است.^۵ قدیمی قیداری نیز در مقاله‌ای با عنوان «بررسی کارکردهای سیاسی و فرهنگی زنان هیأت حاکمه در حکومت‌های ترک از دوره غزنویان تا پایان سده هشتم» علل نفوذ زنان را در این دوره بررسی و به‌طور گزینشی به مواردی از اقدامات بانوان سلجوقی اشاره کرده است.^۶ درحالی‌که در این پژوهش راه‌ها و شیوه‌های نفوذ زنان و میزان تأثیر آنان در امور حکومتی نیز تحلیل و بررسی شده است.

سلجوقیان در یک نگاه

سلجوقیان یکی از دولت‌های مسلمان بودند که از سال ۴۲۹ تا ۵۸۹ هجری قمری توسط مهاجران ترک از آسیای مرکزی (ماوراءالنهر) در بخش‌های شرقی ایران به حکومت دست یافتند؛ آنان با شکست دادن غزنویان در خراسان و از میان برداشتن آل بویه، بر بخش‌های مرکزی و غربی ایران سلطه یافتند و با تصرف عراق و بخش‌هایی از سرزمین شام، وسیع‌ترین امپراتوری مسلمان را تشکیل دادند. سلجوقیان یک دولت نظامی به شمار می‌رفتند و فرماندهان نظامی ترک و رئیس‌ان قبائل، بیشترین نقش و نفوذ را در آن داشتند. آنان که خود فاقد الگوی سیاسی مشخصی بودند، تشکیلات

۱. حلمی، دولت سلجوقیان، ص ۱۴۳.

۲. حجازی، تاریخ هیچ کس (بررسی جایگاه زن در عصر افشاریه و زندیه).

۳. حجازی، به زیر مقنعه.

۴. بیانی، زن در ایران عصر مغول.

۵. موسوی، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۵؛ میر عابدینی، دانشنامه جهان اسلام، ج ۷.

۶. قدیمی قیداری، «کارکردهای سیاسی و فرهنگی زنان هیأت حاکمه در حکومت‌های ترک»، پژوهش‌های تاریخی،

دیوانی و اداری دولت خود را با اتکا بر دیوان سالاران ایرانی و منطبق بر الگوهای دیوانی ایرانیان بنا نهادند. ورود سلاجقه به دنیای اسلام فرایند عمیقی از تغییرات اجتماعی، اقتصادی و نژادی را در بخش شمالی خاورمیانه آغاز نهاد^۱

حاکمیت سلجوقیان به سه عصر کاملاً مشخص قابل تقسیم است: دوره اول (۴۸۵ - ۴۲۹ ق) که از آغاز ورود آنان به خراسان شروع شده و حکومت سه سلطان بزرگ سلجوقی؛ یعنی طغرل، آلب ارسلان و ملکشاه را دربر می‌گیرد. دوره دوم از سال ۴۸۷ و با پیروزی جناح طرفدار برکیارق آغاز تا سال ۵۵۵ ادامه یافت. دوره سوم از سال ۵۵۶ شروع شد و تا سال ۵۸۹ تداوم داشت. در این مقطع اتابکان بر سلاطین جوان سلجوقی سلطه داشتند.

با توجه به گستردگی و چندشاخگی سلجوقیان ایران باید دانست مراد نوشتار حاضر خاتون‌های کدام شاخه هستند. هر شعبه از سلاجقه در منطقه خاصی حکومت می‌کردند. سلجوقیان بزرگ که بر بخش‌های شمالی و مرکزی ایران از خراسان تا عراق حاکمیت داشتند. سلجوقیان کرمان، سلجوقیان شام، دولت‌های اتابکی و سلجوقیان روم که در روم شرقی یا بیزانس حکومت کردند و دولت آنان تا سال ۷۰۰ هجری قمری دوام داشت. در این پژوهش، مشارکت خاتون‌ها در دولت سلجوقیان ایران یا سلجوقیان بزرگ بررسی شده است.

جایگاه خاتون‌ها در عصر سلاجقه بزرگ

وضعیت زنان درباری در همه عصرها یکسان نبوده و به عوامل مختلفی بستگی داشت. افزون بر گرایش‌های دینی و مذهبی سلاطین، توانمندی فکری و جایگاه خانوادگی زنان، نوع روابط زناشویی نیز یکی از عوامل تعیین‌کننده در موقعیت زنان وابسته به حکومت بود. در عصر خلفای بنی‌امیه و بنی‌عباس زنان اشراف، بیشتر اوقات خود را در حرم سپری کرده و فقط هنگام شرکت در تشریفات مذهبی، قصر را ترک می‌کردند و مردان به ندرت با آنان هم کلام می‌شدند.^۲ در حکومت‌های مستقل ایرانی سده سوم هجری هم محدود زنانی همچون سیده ملک خاتون، همسر فخرالدوله دیلمی در سایه هوش و شجاعت و تدبیر در عرصه سیاست، حضور کوتاه مدتی پیدا کردند.^۳

در میان دولت‌های ترک حاکم بر ایران چون غزنویان و سلجوقیان، عصر سلاجقه از لحاظ نفوذ و تأثیر خاتون‌ها قابل تأمل است؛ زیرا زنان درباری غزنوی تنها با ازدواج‌های خود توانستند نقش

۱. باسورث، سلسله‌های اسلامی، ص ۳۶۴.

۲. راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۲، ص ۶۴۲.

۳. مستوفی، تاریخ گزیده، ص ۴۲.

غیر مستقیم در جانشینی سلاطین و عقد معاهدات سیاسی داشته باشند. علت این امر آن بود که حکومت غزنویان حکومتی نظامی و ارتش آن چند ملیتی و با خاستگاه غلامی بود و با توجه به اینکه زندگی قبیله‌ای نقش مستقیمی در آزادی و نفوذ بیشتر زنان داشت در این دوره زنان آزادی عمل و کارکرد سیاسی و اجتماعی و فرهنگی قابل توجهی نداشتند.^۱ به نظر می‌رسد ملقب شدن زنان دربار سلجوقی به «ترکان خاتون» و یا «خاتون» نشانه اهمیت آنان در عصر سلاجقه است. کلمه خاتون به معنای زن عالی نسب، بانو و خانم به زنان طراز اول و بلند پایه اطلاق می‌شد. «ترکان» لقب زنان سلاطین ماوراءالنهر و ترکان سلجوقی به معنای عقیف زیبا، و سوگلی بود و در مورد زنان مقتدر و نامداری چون زوجه ملکشاه سلجوقی به کار می‌رفت.^۲

از آنجا که ترکمانان سلجوقی بر اساس سنت‌های قبیله‌ای به تمرکز قدرت در حکومت معتقد نبودند و رهبری را حق همه اعضای خانواده و قبیله می‌دانستند، نظام اتابکی،^۳ اقطاع و مداخله زنان دربار در کار سلطنت و حکومت در روزگار آنان رواج یافت.^۴ بر همین اساس مداخلات سیاسی بانوان درباری در دوره اقتدار ۳۰ ساله سلاجقه (عصر آلپ ارسلان و ملکشاه) از جهت میزان و عرصه مشارکت سیاسی و همچنین شیوه‌های متعدد آن چشمگیر بود؛ چنان که محققان حاکمیت خاتون‌های مسلمان سلجوقی را نمونه بارزی از قدرت و مدیریت زنان در تاریخ اسلام می‌دانند.^۵

این بانوان از طرق مختلف اعمال نفوذ می‌کردند. روابط نزدیک زنان با سلطان، شرکت در جلسات داخل و خارج قصر همراه وی، دسترسی به سندهای اداری و اخبار سیاسی، امکان مداخله آنها را در امور جاری فراهم کرده بود؛ تا حدی که می‌توانستند برنامه‌های سیاسی را به نفع خود تغییر دهند. یکی از شعرای آل سلجوق به نام دهقان قلی شطرنجی در مورد شرایط زنان این دوره چنین سروده است:^۶

۱. قدیمی قیداری، کارکردهای سیاسی و فرهنگی زنان هیأت حاکمه در حکومت‌های ترک، پژوهش‌های تاریخی، ش ۲، ص ۱۳ و ۱۱۷؛ بیانی، زن در ایران عصر مغول، ص ۳.

۲. احمدی، زن در تاریخ اسلام از قرن هفتم تا سیزدهم، ص ۱۷۴؛ منفرد، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۴، ذیل واژه خاتون؛ موسوی، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۴ ذیل واژه ترکان خاتون.

۳. اتابک وظیفه تربیت شاهزادگان را به عهده داشت اما پس از واگذاری ولایات به آنان، اتابکان توان اقتصادی و نظامی پیدا کرده و ازدواج با مادران شاهزادگان باعث نفوذ آنان شد، به طوری که مؤسس سلسله‌هایی مستقل شدند (فروزانی، سلجوقیان «از آغاز تا فرجام»، ص ۱۷۷).

۴. کلوزنر، دیوان‌سالاری در عهد سلجوقی، ص ۴۷؛ زرین کوب، نه شرقی نه غربی، ص ۴۱۳.

۵. اوچوک، زنان فرمانروا در دولت‌های اسلامی، ص ۱۷.

۶. عوفی لباب الالباب، ج ۲، ص ۲۰۱.

دو زن به جای یک مرد بیستاد همی به حکم عقل و شریعت زاهل هر زمینی
به حکم عقل کنون زاهل زمانه ما دو مرد باید تا ایستد به جای زنی

شاهان سلجوقی با زنان خود در اداره امور کشور مشورت می‌کردند؛ وزیران نیز مجبور بودند برای تثبیت موقعیت خود، نظر موافق زنان دربار را جلب کنند.^۱ برخی خاتون‌های سلجوقی مانند همسرانشان دبیر و وزیر داشتند و گاهی برای حفظ حکومت به‌طور نیابتی سلطنت می‌کردند.^۲ آنان در جایگاه مادر ولیعهد در عزل و نصب وزیران و بزرگان کشوری، برپایی جنگ‌ها و تأثیر در روابط با دولت‌های هم‌جوار، حضور پررنگی داشتند. ملکه‌های ترک با شرکت در شبکه ازدواج‌های سیاسی و استفاده از داریی‌های شخصی و اعتبارات حکومتی در روند تحولات سیاسی عصر سلاجقه بزرگ دخالت می‌کردند.^۳ از این‌رو، نظام دولتی سلاجقه بزرگ مورد اعتراض برخی بزرگان و اندیشمندان مسلمان و غیر مسلمان قرار گرفت؛ چنان‌که کارلا کلوزنر در انتقاد به شیوه حکومت داری سلاجقه می‌نویسد:

یکی از نقاط ضعف این دولت، گرایش به عدم تمرکز بود، بدین معنا که این رهبریت به کل اعضای خانواده تسری می‌یافت. در سیستم اقطاعی و نظامی به‌طور مستقیم و در سایر تشکیلات اداری به‌طور غیرمستقیم، قدرت به اعضای قبایل مختلف امپراتوری واگذار می‌شد.^۴

در واقع امپراتوری سلجوقی در آغاز از لحاظ سیاسی اتحادیه نیم‌بندی از رهبران نیمه مستقل بود. تنها در دوره پادشاهی ملکشاه (۴۸۵ - ۴۶۵) بواسطه خواجه نظام الملک طوسی دولت اقتدار یافت.^۵

۱. کلوزنر، دیوان‌سالاری در عهد سلجوقی، ص ۵۷.

۲. راوندی، راحة الصدور و آية السرور، ص ۱۳۳؛ مستوفی، تاریخ‌گزیده، ص ۴۳۹ - ۴۳۸؛ این گفته لمبتون نیز ناظر بر این واقعیت است «در برخی موارد، صاحب دیوان استیفا و انشاء، وزیر همسر سلطان محسوب می‌شد و وظیفه رسیدگی به امور املاک و اموال شخصی خاتون را بر عهده داشت» لمبتون، تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران، ص ۴۵.

۳. در مورد مشارکت سیاسی زنان در شرق اسلامی در کتاب ملکه‌های فراموش شده آمده است: زنان ناگزیر شدند که وارثان سلطنت را به قتل رسانند، شماری جنگ به راه انداختند، شکست خوردند یا صلح کردند، بعضی کارها را به وزیران باکفایت سپردند و بعضی رشته امور را به دست گرفتند (مرنیسی، ملکه‌های فراموش شده در سرزمین‌های خلافت اسلامی، ص ۱۰ و ۳۷).

۴. کلوزنر، دیوان‌سالاری در عهد سلجوقی، ص ۱۹.

۵. صفاء، تاریخ سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایران، ص ۸۸؛ زرگری‌نژاد، نقش اندیشه سیاسی خواجه نظام الملک طوسی در تمرکز قدرت ترکان سلجوقی، ص ۲.

در *سیر الملوک* نقل شده سلطان برای ایجاد دولتی مستقل و متمرکز در سال ۴۷۹ از کلیه بزرگانی چون نظام الملک و شرف الملک خواست که در معنای مملکت اندیشه کنند که دربارگاهش، چه چیز نیک است که متروک شده و برای برگردان امور به اسلوبی نیک، روشی عرضه دارند و نهایتاً، تنها نگاشته‌های نظام الملک، سلطان را خوش آمد.^۱

از این رو *سیر الملوک* در ۳۹ فصل تنظیم شد، اما تجربیات شخص نویسنده سبب شد تا کتاب مورد بازنگری قرار گیرد و یازده فصل به آن اضافه شود. یکی از این فصل‌ها، فصل چهل و دوم است که به موضوع زنان اختصاص یافت؛ یعنی نویسنده در طرح اولیه کتاب پرداختن به این مبحث را در موضوع حکمرانی دخیل ندانسته، اما بعدها که به زعم خود با دخالت زنان از وزارت معزول شده، این مبحث را در امر حکمرانی به کتاب افزوده است.^۲ لکن این رو برخی معقدند که نظر خواجه طوسی، در مورد فعالیت اجتماعی و سیاسی زنان نظر مساعدی نبود.^۳

وی با نام‌گذاری فصل چهل و دوم به «اندر معنی اهل ستر و سرای حرم و حسد زبردستان» از نفوذ و تأثیر زنان درباری بر سلاطین سلجوقی پرده برداشته و می‌نویسد: «به همه روزگارها هر آن وقت که زن پادشاه بر پادشاه مسلط شده است، جز رسوایی، شر و فتنه و فساد حاصل نیامده است...»^۴ شاید هدف خواجه از پرداختن به طبقه زبردستان پس از زنان در انتهای فصل چهل و دوم، دال بر جایگاه برابر این دو طبقه، در اندیشه وی باشد.^۵ حجازی می‌نویسد: «خواجه در معنای اهل ستر حرف‌هایی زد و پس از راحت کردن خیال خود و تاریخ از حفظ شدن عادات قدیم و رستن زن‌ها از اندیشه، اعلام بسندگی کرد».^۶

۱. نظام الملک، *سیر الملوک*، مقدمه. کانپوری می‌نویسد خواجه افسوس می‌خورد که سلاطین سلجوقی از آداب مملکت‌داری خردمندانه‌ای که از سوی غزنویان رعایت می‌گردید اهمال می‌ورزند. (کانپوری، *زندگانی خواجه نظام الملک*، ص ۸۹).

۲. حلمی، *دولت سلجوقیان*، ترجمه عبدالله ناصری طاهری، ص ۱۴۴؛ پیرا، *جنسیت و قدرت در سیاست نامه خواجه نظام الملک*، ص ۱۶۲ - ۱۶۱.

۳. مقدم گل محمدی، *مروری بر پیشینه زنان ایران در دوران تاریخ*، ص ۳۳. به نظر می‌رسد به کاربرد عنوان ستر و سرای حرم برای زنان کنایه از این معنا باشد که پرده‌نشینی زنان سبب بی‌خبری آنان از مسائل جاری و کشوری است و به همین دلیل آنان صلاحیت مشارکت در امور سیاسی را ندارند.

۴. نظام الملک، *سیر الملوک*، ص ۲۴۳ - ۲۴۲.

۵. همان، ص ۲۵۲.

۶. حجازی، *به زیر مقنعه*، ص ۴۰ - ۳۹.

آنچه اهمیت و پایگاه خاتون‌های سلجوقی را بیشتر نمایان می‌کند این است که غزالی نیز در تأیید نظر نظام الملک در *نصیحه الملوک*، پیوسته زنان را به بی‌خردی و بی‌هنری متهم می‌کند.^۱ چنان که قسمت مهمی از کتابش را به مسئله خیر و شر زنان اختصاص داده و می‌گوید: «هر آنچه به مردان رسد، از محنت و بلا و هلاک، همه از زنان رسد».^۲ بررسی متون ادبی عصر سلاجقه نیز حاکی از آن است که اقتدار بانوان قصرنشین بر رجال درباری نشانه ضعف سلاطین بوده، چنان که سلطان طغرل بن ارسلان در یکی از سروده‌هایش مقابله با زنان را جزئی از افتخارات خود می‌داند:^۳

من میوه شاخ سایه پروردنیم در دیده خورشید جهان گردنیم
گر بر سر خصمان که نه مردان منند مقناع زنان بر نکنم، مردنیم!

قدرت این زنان به حدی بود که افراد مدعی منصب سعی می‌کردند با نزدیک شدن به مادر یکی از شاهزادگان و اعمال نفوذ توسط آنان، به آرزوی خود برسند.^۴ یادکردنی است حضور خاتون‌ها در عرصه سیاست، و جاهت اجتماعی را به دنبال داشت و این امر زمینه فعالیت‌های علمی و فرهنگی، عمرانی و عام‌المنفعه و نیکوکارانه این بانوان را فراهم کرد.

مشارکت‌های فرهنگی - اجتماعی خاتون‌های سلجوقی

توجه و علاقه به مسائل علمی و اکرام دانشمندان یکی از عرصه‌های فعالیت‌های اجتماعی ملکه‌های سلجوقی بود. آلتون جان، همسر طغرل (د. ۴۵۳ ق) در مسائل آموزشی و قضاوت مورد مشورت او قرار می‌گرفت.^۵ ارسلان خاتون (د ۴۷۰) دختر چغری بک بن سلجوق (برادر طغرل) همسر سلطان

۱. *نصیحه الملوک* از مهم‌ترین آثار سیاسی غزالی است که از دو بخش تشکیل شده: بخش اول مطالبی درباره تعلیم و اعتقادات اسلامی و نصایح اخلاقی و بخش دوم رساله‌ای شبیه سیاست‌نامه خواجه نظام الملک است (منصوری، «بررسی تطبیقی اندیشه سیاسی ابوحامد غزالی و خواجه نظام الملک طوسی» سخن تاریخ، ش ۱۵، ۱۳۹۰، ص ۲).

۲. غزالی، *نصیحه الملوک*، ص ۲۸۷ - ۲۶۱؛ حجازی، به زیر مقلعه، ص ۵۹.

۳. بنداری، *تاریخ سلسله سلجوقی*، ص ۲۰۹.

۴. راوندی، *راحة الصدور*، ص ۳۶۹. البته شعرایی هم زبان به مدح خاتون‌های سلجوقی گشوده‌اند چنان که این شعر در مرگ دختر سلطان سنجر سروده شده:

هنگام آنکه گل دمد از صحن بوستان رفت آن گل شکفته و در خاک نهان شد

(مجهول، *مجموعه التواریخ*، ص ۴۱۵)

۵. ابن جوزی، *منتظم*، ص ۲۱۸.

ملکشاه سلجوقی زنی فاضل و با سواد بود که گفته می‌شود از او اثری به نام، *تبیحة التوحید*، بر جای مانده است.^۱ خاتون سلجوقی مادر ارسلان بن طغرل (۵۲۹ - ۵۲۶)، بانویی دین‌دار و پرهیزکار بود که تربیت علما و فرستادن صله و صدقه به زهاد، پیشه او بود. وی از شیخ الاسلام ظهیرالدین بلخی خواست تا ۱۰ نفر از علما را به اُبخاز بفرستد و با ثروت خود امکانات سفر آنان را فراهم کرد.^۲ بدین ترتیب سرمایه‌های اقتصادی زنان دربار که از طریق اقطاع سلطان و ضبط دارایی‌های دیوانی به دست می‌آمد، علاوه بر مصارف شخصی، در فعالیت‌های علمی مثل حمایت از علما و بزرگان و مشارکت‌های اجتماعی چون خیرات و صدقات صرف می‌شد.

مطالعه تاریخ معماری اسلامی نشان می‌دهد که همواره دولت‌ها به احداث بناهای عام المنفعه چون مدارس و مساجد اهتمام دارند؛ در این میان خاتون‌های سلجوقی نیز با ساخت و تعمیر این بناها نقش مؤثری در اعتلای وضعیت فرهنگی و دینی جامعه ایفا کردند.

آنها با استفاده از اموال و ثروت خصوصی خود در عمران و آبادی شهرها نقش بسزایی داشتند. به عنوان نمونه ارسلان خاتون دختر چغری بگ، در شهر یزد مسجد و مناره‌ای ساخت که گفته می‌شود اولین مناره‌ای بود که در این شهر بنا شد. وی همچنین قنات‌هایی را احداث کرد که تمام شهر از آب آن استفاده می‌کردند.^۳ وی همچنین قنات‌هایی در محله‌های دامغان، ری و قزوین احداث کرد.^۴ وی افزون بر این، بانی «مدرسه درب ماهان» نیز بود و اوقافی برای آن از سایر آثار خیریه خود (کاروان‌سرا، رباط و حوض انبار) تعیین نمود.^۵

زیتون خاتون همسر ارسلان شاه بن کرمان ملقب به عصمت‌الدین نیز بناهای بسیاری را وقف کرد که به «اوقاف عصمتیه» معروف است.^۶ همچنین ارسلان خاتون (خواهرآلپ ارسلان) علاوه بر شهر یزد، قنات‌هایی در محله‌های دامغان، ری و قزوین نیز احداث کرد. همچنین دو نوه دختری ارسلان خاتون در کنار مسجد جمعه و جماعت‌خانه‌های معروف به جماعت‌خانه ملک‌شاه بنا کردند که مدفن آنان قرار گرفت.^۷ ترکان خاتون همسر سنجر در بنا یا تعمیر رباط شرف (نزدیک سرخس)

۱. قزوینی، *تاریخ جهان‌آرا*، ص ۸۲.

۲. نیشابوری، *سلجوق‌نامه*، ص ۸۲؛ راوندی، *راحة الصدور و آية السرور*، ص ۳۰۰ - ۲۹۹.

۳. کاتب، *تاریخ جدید یزد*، ص ۵۹ و ۶۲.

۴. نقل شده، زمانی که دستور احداث قنات در آنجا (قزوین) را صادر کرد، آن‌قدر در آنجا ماند تا آب جاری شد.

۵. گنجنامه، دفتر هشتم، ص ۱۶۸.

۶. کاتب، همان، ص ۶۶.

۷. همان.

مشارکت داشت^۱ و دستور داد قلعه خسروگرد را خراب کنند و دوباره آن را ساخت.^۲ مدرسه خاتون گوهرملک (مهد عراق) با کتابخانه‌ای مجهز و مدرسه ملکه خاتون در اصفهان نیز از فعالیت‌های عمرانی و فرهنگی خاتون‌ها به شمار می‌آید.^۳

ترکان زمرّد ملک، دختر سلطان محمود سلجوقی (۵۲۵ - ۵۲۲) زنی خیر و نیکوکار بود که تزییناتی در حرم امام رضا علیه السلام انجام داد که از جمله آن کاشی‌های هشت ضلعی بسیار نفیس معروف به کاشی سنجری است که در ازاره حرم به کار رفته و اکنون در زیر قاب‌های بزرگ شیشه‌ای حفاظت می‌شود.^۴ اگرچه حمایت‌های ترکان خاتون از شیعیان نیز با هدف تضعیف موقعیت خواجه صورت گرفت، ثمره این حمایت‌ها در شهرهای خراسان، قم، کاشان و ... بنای مدارس و مساجد بود.^۵ یکی دیگر از فعالیت‌های خاتون‌های عصر سلجوقی فعالیت‌های خیرانه چون اطعام نیازمندان، رسیدگی به یتیمان و اسیران بود، چنان‌که نوه‌های دختری ارسلان خاتون هر روز ۱۰ گوسفند نذر بیوه‌ها و یتیمان و اسیران می‌کردند.^۶

مشارکت‌های سیاسی ملکه‌های سلجوقی

حضور زنان در فعالیت سیاسی حکومت سلجوقی به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم بود. آنان از شیوه‌ها و ابزارهای مختلفی برای رسیدن به اهداف سیاسی خود استفاده کرده و از مال و جان خود مایه می‌گذاشتند.

زنان سلطنتی به عنوان ملکه یا مادر ولیعهد بر همسر خود نفوذ داشته و در مهم‌ترین مسائل جاری کشور چون تعیین ولیعهد، عزل و نصب وزیران و امیران، ترور و قتل مخالفان، همدستی با امیران لشکری و کشوری برای سرکوب مدعیان قدرت مداخله می‌کردند. بعضی از این زنان به عنوان مادر پادشاه خردسال، به نیابت سلطنت می‌کردند. خاتون‌های سیاست مدار سلجوقی از طریق غیرمستقیم با شرکت در شبکه‌های ازدواج سیاسی، نقش کلیدی در کیفیت روابط با دولت‌های

۱. نوریخس، با کاروان تاریخ، ص ۸۸

۲. بیهقی، تاریخ بیهقی، تصحیح احمد بهمنیار، ص ۲۶۹.

۳. صفا، تاریخ ادبیات در ایران از میانه قرن ۵ تا آغاز قرن ۷ هـ، ص ۲۴۴، ۲۴۱.

۴. سجادی، دایرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۵۷؛ دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ص ۳۴۰.

۵. در مورد نفوذ شیعیان در این دوره رجوع کنید به: قزوینی، بعضی مثالب النواصب فی نقض (بعض فضوائح الروافض)، ص ۴۷.

۶. کاتب، تاریخ جدید یزد، ص ۶۱.

هم‌جوار و خلفای عباسی بازی می‌کردند. در این قسمت به مهم‌ترین و مؤثرترین فعالیت‌های سیاسی ملکه‌های سلجوقی اشاره می‌شود.

ساختار حکومتی سلاجقه بزرگ بر مبنای اندیشه سیاسی خواجه نظام الملک شکل گرفت.^۱ نفوذ و تأثیر خواجه در دوران سلاطین مقتدر سلجوقی؛ یعنی آلپ ارسلان (۴۶۵ - ۴۵۵) و پسرش ملکشاه (۴۸۵ - ۴۶۵) سبب شد تا این عصر «الدوله النظامیه» خوانده شود.^۲ وی نظام دولت را بر پنج نهاد: شاهی، وزارت، قضاوت، دیوان‌سالاری و لشکری استوار و در *سیر الملوک* به شرح وظایف آنان پرداخت. در این مدل، سلطان که دارای فره ایزدی است، در رأس هرم قدرت قرار دارد و وظایف او علاوه بر رسیدگی به امور دینی، برقراری عدالت، توانمندی نظامی و مشورت در امور است.^۳ وزارت دومین نهاد مؤثر و مجری اوامر سلطانی بود و بر دیوان‌های اعلی، استیفاء، طغراء، اشراف و عرض نظارت داشت.^۴ خواجه به تبعیت از سنن ایرانی شهری بر اساس نظریه سلطنت مطلقه در پی تمرکز قدرت در نهاد شاهی و استقلال وزارت بود. از نظر او پراکندگی قدرت و دخالت وابستگان درباری چون ندیمان، غلامان و زنان در امور سیاسی موجب ضعف دولت می‌شد.^۵

وی به عنوان معمار امپراتوری سلجوقی طرح اداری و سیاسی خود را در دوران وزارتش به اجرا گذاشت، ولی خاتون‌های درباری با تأثیر بر بالاترین رده سیاسی؛ یعنی شاه از مهم‌ترین رقبای قدرت به شمار می‌آمدند. به نظر می‌رسد یکی از علل موضع‌گیری تند خواجه در دوران وزارتش نسبت به زنان، وسعت و عمق نفوذ سیاسی آنان بود.^۶ در باور طوسی، مشارکت سیاسی زنان از عوامل سستی حکومت‌ها است.^۷

با توجه به این مسئله که نهاد شاهی و وزارت در رأس هرم سازمان دولتی سلاجقه قرار دارد، گستره تأثیرگذاری خاتون‌ها به این نهادها مورد بررسی قرار می‌گیرد. ملکشاه سلجوقی سه زن به نام‌های ترکان خاتون مادر محمود، زبیده خاتون مادر برکیارق و خاتون سفریه مادر سنجر و محمد داشت که نقش مهمی در حکومت سلجوقی ایفا کردند. شاید بتوان گفت، ترکان خاتون (د. ۴۸۷)

۱. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: صفا، *تاریخ سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایران*، ص ۸۸.

۲. سرافرازی، *تأثیر سیاست‌نامه خواجه نظام الملک بر ساختار حکومت سلجوقی*، ص ۶۰.

۳. نظام الملک، *سیر الملوک*، ص ۱۱، ۱۸، ۳۰، ۵۶، ۷۹، ۸۵، ۱۰۱، ۱۲۳، و ...

۴. لمبتون، *تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران*، ص ۳۶.

۵. نظام الملک، *سیر الملوک*، ص ۲۴۲.

۶. فروزانی، *سلجوقیان (از آغاز تا فرجام)*، ص ۱۶۸.

۷. نظام الملک، *سیر الملوک*، ص ۲۴۳.

دختر طمغاج خان ابراهیم بن نصر قراخانی (حک: ۴۶۰ - ۴۴۰ هجری) از بانفوذترین و قدرتمندترین زنان دوره سلجوقی و نخستین خاتونی بود که سودای سلطانی در سر داشت. چنان که نقل شده، او «در کمال صباحت و ملاححت و نسبت بلند و حشمت موروث و قدرت تمام گشت و در حباله حکم سلطان مربوط و منوط بود.»^۱

ترکان خاتون از ملکشاه پسرانی به نام احمد، محمود و ابوالقاسم داشت که فقط محمود تا زمان مرگ ملکشاه در قید حیات بود.^۲ وی مانند سایر زنان سلجوقی وزیری به نام تاج الملک ابوالغنائم (۶۸۵) داشت. او مردی «صاحب منظر و مجهز، به فضل و علم و کفایت و همت عالی معروف و کدخدای جامه خانه سلطان بود.»^۳ ترکان خاتون که مایل بود او بر جای نظام الملک طوسی وزیر ملکشاه بنشیند، سلطان را علیه خواجه نظام الملک طوسی تحریک می کرد و از او می خواست تا خواجه را عزل کند. او برای تثبیت موقعیت ابوالغنائم، زمینه حضور وی را در سفرهای جنگی و آیین های رسمی فراهم می کرد. یکی از علل مقابله ترکان خاتون با نظام الملک، مخالفت خواجه با جانشینی محمود (پسر ترکان) و تمایل به سلطنت برکیارق پسر بزرگ تر شاه بود. راوندی می نویسد: «تقیح صورت نظام الملک می کرد و تتبع عثرات او می فرمود تا سلطان را بر او متغیر گردانید، از بس مساوی که بشنید.»^۴

ترکان خاتون بر این باور بود که خواجه با تقسیم کشور و منافع آن بین دوازده پسر خود بیش از حد اقتدار یافته تا آنجا که سلطان را واداشت نامه تهدیدآمیزی به خواجه بنویسد که: «می خواهی که بفرمایم که دولت وزارت از پیش و دستار از سر بردارند.»^۵ و چون نظام الملک پاسخ داد: «دولت من و تاج تو سهم توأمان و متصل اند. اما فرمان او را باشد»^۶ سلطان عصبانی شد و او را عزل و تاج الملک را به وزارت منصوب کرد. در سلجوق نامه آمده وقتی سلطان از نظام الملک خشمگین شد، او را به تاج الملک سپرد. تاج الملک با ملاحظه در نهان آشنایی داشت و سلطان از آن خبر نداشت نظام الملک را فدائیان به اغرا و اغوا تاج الملک کرد زدند،^۷ بی تردید رد پای ترکان خاتون نیز در این

۱. نیشابوری، سلجوق نامه، ص ۳۲.

۲. ابن اثیر، الکامل (تاریخ بزرگ اسلام و ایران)، ج ۶، ص ۳۰۹.

۳. نیشابوری، سلجوق نامه، ص ۳۳.

۴. راوندی، راحة الصدور و آية السرور، ص ۱۳۳.

۵. همان، ص ۱۳۴.

۶. همان.

۷. نیشابوری، سلجوق نامه، ص ۳۳؛ ابن عبری، تاریخ مختصر الدول، ص ۲۷۱.

ترور دیده می‌شود؛ زیرا تاج الملک با ترکان خاتون همکاری داشت و ترکان از او حمایت می‌کرد. ترکان خاتون و محمود در هنگام مرگ ملک‌شاه در بغداد، همراه او بودند. محمود چهار یا شش سال داشت. خاتون مرگ سلطان را مخفی نگه داشت و به خلیفه المقتدر عباسی پیام داد و از او خواست به نام محمود خطبه بخواند،^۱ اما ولایتعهدی محمود غیر از خواجه نظام الملک مخالفان دیگری نیز داشت. ملک‌شاه سلجوقی نیز با جانشینی برکیارق پسر ۱۳ ساله زبیده خاتون موافق بود.^۲ از آن پس با مرگ ملک‌شاه سلجوقی، تلاش‌های ترکان خاتون برای جانشینی پسرش وارد مرحله جدیدی گردید. ترکان خاتون، امیر جعفر فرزند دختر ملک‌شاه و القائم (خلیفه عباسی) را در دامن خود تربیت کرده و او را امیرالمؤمنین می‌خواند. وی قصد داشت برای او در اصفهان دارالخلافه و حرم بسازد. خلیفه مقتدی که نگران این مسئله بود، از ترکان خاتون خواست تا امیرجعفر را به بغداد بفرستد. ترکان امیر جعفر را به بغداد فرستاد و در مقابلش خواست برای محمود خطبه بخواند.^۳ هرچند خلیفه مقتدی، محمود را شایسته مقام پادشاهی نمی‌دانست، به ناچار جانشینی او را پذیرفت، ترکان با بذل و بخشش اموال بین بزرگان و سرداران سلجوقی موافقت آنان را جلب کرد تا به نفع محمود رأی دهند و آنان که به وساطت خاتون به مقام رسیده بودند، ناچار به تأیید سلطنت محمود شدند.^۴

ترکان خاتون، برای به تخت نشستن فرزندش مدعی دیگری به نام زبیده خاتون داشت.^۵ زبیده خاتون (۴۹۲) دختر یاقوتی بن داوود چغری بک، همسر ملک‌شاه وزیری به نام مجدالملک قمی داشت که به امور خاتون رسیدگی می‌کرد.^۶ پس از مرگ ملک‌شاه و اقدامات ترکان خاتون برای ولیعهدی محمود، زبیده تلاش‌های خود را برای تثبیت سلطنت پسرش برکیارق و مقابله با ترکان خاتون آغاز کرد. وی با استفاده از روابط خصمانه غلامان نظام الملک با ترکان خاتون، با ایشان جبهه متحدی علیه خاتون تشکیل داد. ترکان خاتون اسماعیل بن یاقوتی (برادر زبیده خاتون) را به قتل برکیارق تحریک نمود. او به اسماعیل وعده ازدواج داد و برای او اسباب، خزانه و زرادخانه فرستاد تا بتواند با برکیارق بجنگد.^۷ در این منازعه سپاه ترکان خاتون شکست خورد و اسماعیل کشته شد. البته

۱. ابن عبری، تاریخ مختصر الدول، ص ۲۷۱.

۲. راوندی، راحة الصدور و آية السرور، ص ۱۳۴.

۳. نیشابوری، سلجوق‌نامه، ص ۳۵.

۴. راوندی، راحة الصدور و آية السرور، ص ۱۴۱.

۵. ابن کثیر، البداية والنهاية، ج ۱۳، ص ۱۳۹.

۶. نیشابوری، سلجوق‌نامه، ص ۳۳.

۷. ثواقب، زنان فرمانروا، ص ۱۲۳.

سرانجام همسران ملک‌شاه سلجوقی در جانشینی فرزندان‌شان مصالحه کردند که نتیجه آن بر تخت نشستن برکیارق پس از مرگ محمود (۴۸۸) بود.^۱

بدین ترتیب ترکان خاتون به عنوان ملکه قادر بود هوشمندانۀ کلان‌ترین سیاست‌های ملوکانه را طبق تشخیص خود تغییر دهد و وزیران را عزل و نصب کند و در این مسیر رقبای خود را گاه تهدید می‌کرد و زمانی جهت تطمیع از اعتبار مالی و اجتماعی خود نیز سرمایه‌گذاری می‌نمود.

اسناد تاریخی حاکی از آن است که زبیده هم برای حفظ اقتدار سیاسی خود، تاب و تحمل اقتدار وزیران را نداشت و درگیری با آنها منجر به مرگش شد. به گفته ابن اثیر، چون برکیارق در ری بر عمویش تش پیروز شد، دستور داد خادمی، مادرش را از اصفهان نزد او آورد. ولی مؤید الملک (پسر خواجه نظام الملک) با گروهی از امیران از برکیارق خواست تا مادرش را ترک کند، اما سلطان عنوان کرد پادشاهی را بدون مادر نمی‌خواهم. وقتی زبیده جریان را فهمید با مجدالملک علیه مؤید متحد شد؛^۲ همین مسئله سبب شد تا زبیده، سلطان را وادار به عزل مؤید الملک وزیر کند. مؤید الملک در زندان برای زبیده اشعاری فرستاد و از وی طلب بخشش کرد و سرانجام آزاد شد. ولی همواره منتظر فرصتی برای انتقام از مجدالملک و زبیده خاتون بود.^۳ سرانجام مؤید الملک پس از تصرف ری با همدستی سلطان محمد بن ملک‌شاه، زبیده را اسیر کرد و از او دست‌خطی به مبلغ پنج هزار دینار گرفت و پس از مدتی زبیده خاتون ۴۲ ساله را خفه کرد.^۴

یکی دیگر از خاتون‌های مؤثر در مسائل حکومتی، گوهر خاتون (د. ۵۱۱ ق) دختر اسماعیل بن یاقوتی همسر سلطان محمد بن ملک‌شاه (۵۱۱ - ۴۱۸) بود. طبق سنت سلاجقه، ملک سمیرم به وی اقطاع داده شد که درآمد آن صرف معیشت و مخارج او می‌شد، موفق الدوله ابوطاهر مستوفی و محمد جوزجانی وزیر وی بودند.^۵ چون دیوان گوهرخاتون کم کار بود از سلطان خواست سپاهیان آذربایجان را مأمور خدمت او کند و این مسئله موجب افزایش قدرت و حشمت خاتون شد.^۶

۱. ابن اثیر، *الکامل (تاریخ بزرگ اسلام و ایران)*، ج ۶ ص ۳۴۷.

۲. همان، ج ۶ ص ۳۶۵.

۳. مؤید الملک محمد بن ملک‌شاه را ترغیب به ادعای سلطنت کرد و خلیفه عباسی نیز به نام وی خطبه خواند، ولی چون متهم به کشتن امیران با همدستی اسماعیلیان بود، توسط سربازانش قطعه قطعه شد. (بنداری، *تاریخ سلسه سلجوقی*، ص ۹۹).

۴. ابن اثیر، *الکامل (تاریخ بزرگ اسلام و ایران)*، ج ۶ ص ۳۷.

۵. بنداری، *تاریخ سلسه سلجوقی*، ص ۱۱۵ - ۱۱۴.

۶. همان، ص ۱۲۹ - ۱۲۸.

این بانوی مقتدر نیز بر مقام وزارت تسلط داشت و مشروعیت بالاترین منصب اداری منوط به تأیید گوهرخاتون بوده و در عزل و نصب‌ها دستی نافذ داشت. چنان‌که کمال الملک به خاطر حمایت‌های وی به جایگاه قابل توجهی در دستگاه سلطان محمد دست یافت.^۱ گوهرخاتون با همدستی کمال الملک موفق به عزل ابومنصور میبیدی وزیر سلطان محمد شد. چون سلطان محمد بیمار شد، اطرافیان سلطان، سحر و جادوی گوهرخاتون را عامل بیماری دانستند و از وی خواستند تا همسرش را زندانی کند؛ از این‌رو گوهرخاتون در زندان خفه شد.^۲ علت دیگر توطئه ضد گوهرخاتون، زندانی کردن عده‌ای از بزرگان و امیران سلجوقی توسط وی بود که موجب نگرانی آنان و فراهم شدن مقدمات مرگش شد.^۳

زبیده خاتون دختر برکیارق از همسران مسعود بن محمد بن ملک‌شاه (حک: ۵۴۷ - ۵۲۹ ق) تا اندازه‌ای بر سلطان نفوذ داشت که اتابک آق سنقر با اهدای اشیای قیمتی به خاتون، حمایت سلطان را جلب کرد.^۴ اقتدار اتابک بواسطه زبیده سبب نگرانی سایر امیران شد؛ چنان‌که امیر میرنقش ضد سلطان شورش کرد؛ ولی سلطان مسعود آنان را سرکوب نمود.^۵ گفتنی است گاه به علت بی‌کفایتی مردان سلجوقی، تلاش‌های زیرکانه خاتون‌ها به ثمر نمی‌رسید. چنان‌که ملک نسب (سده ششم) خواهر ملک‌شاه بن محمود، برای سلطنت او در برابر محمد تلاش‌های بسیاری کرد و ثروت و دارایی خود را برای تشکیل سپاه در اختیار برادر گذاشت ولی ملک‌شاه به علت بی‌کفایتی نتوانست بر برادرش سلطان محمد پیروز شود. از این‌رو اقدامات ملک نسب، به نتیجه‌ای نرسید.^۶

حضور در جنگ‌ها و مداخله در روابط دیپلماسی با دولت‌های هم‌جوار یکی دیگر از عرصه‌های مشارکت سیاسی خاتون‌های مقتدر سلجوقی بود. ترکان خاتون دختر محمد بن ارسلان خان همسر سلطان سنجر و معروف به «ملکه جهان» در بیش‌ترین سفرهای جنگی و فتوحات، سلطان را همراهی می‌کرد. او در نبرد قطوان در سال ۵۳۶ هجری که برای مقابله سپاه سنجر با یورش قراختاییان در اطراف سمرقند اتفاق افتاد، با عده‌ای از بزرگان به اسارت قراختاییان در آمد.^۷ یکی

۱. همان، ص ۱۲۹.

۲. کاتب، تاریخ جدید یزد، ص ۱۰۸.

۳. راوندی، راحة الصدور و آية السرور، ص ۱۳۶.

۴. بنداری، تاریخ سلسه سلجوقی، ص ۲۰۹.

۵. حسینی، زبدة التواریخ (اخبار امراء و پادشاهان سلجوقی)، ص ۱۳۷.

۶. نیشابوری، سلجوق‌نامه، ص ۶۶.

۷. بنداری، تاریخ سلسه سلجوقی، ص ۳۴ و ۳۳۳؛ ابن العمرانی، النباء، ج ۸، ص ۳۱۶.

دیگر از اقدامات ترکان خاتون میانجی‌گری و شفاعت مخالفان سلطان بود. او از سنجر خواست تا با احمدخان حاکم سمرقند (از اقوام و نزدیکانش) صلح کند و نصرخان پسرش را به پادشاهی نشانند.^۱ ترکان خاتون در سال ۵۴۸ در جنگ با غزان به همراه همسرش سلطان سنجر زندانی شد و پس از تحمل چهار سال اسارت در سال ۵۵۱ هجری درگذشت.^۲

ازدواج‌های سیاسی خاتون‌ها

تاریخ سلاجقه شاهد ازدواج‌های سیاسی بسیاری بوده است. سلجوقیان برای ایجاد صلح و آشتی بین دولت‌ها، رفع کدورت‌ها و فتنه‌ها و جلب حمایت پادشاهان و خلفا برای گرفتن مناصب حکومتی و از بین بردن دشمنی‌های بین دو قبیله، به ازدواج‌های سیاسی مبادرت می‌کردند. این کار ممکن بود بین خود سلاجقه یا دولت‌های هم‌جوار یا حکومت‌های محلی مانند حکام محلی ولایات شمال ایران^۳ و کردان،^۴ یا خلفای عباسی^۵ اتفاق افتد. لازم به ذکر است بانوان درباری برای تحکیم و تثبیت ارکان حکومت همسران و پسران و برادرانشان، گاهی برای چندین بار تن به این وصلت‌ها می‌دادند؛ چنان‌که آپ ارسلان، عایشه خاتون بیوه را به ازدواج شمس الملک نصر، فرزند طغماج خان ابراهیم بن نصر قراخانی (۴۶۰ - ۴۴۳) درآورد.^۶ واضح است که دختران نیز به سبب این ازدواج‌ها به ثروت قابل توجهی دست می‌یافتند که از آن برای ساختن بناها و امور خیریه و برخی اهداف سیاسی استفاده می‌کردند. مهم‌ترین ازدواج‌ها در عصر سلاجقه بزرگ، ازدواج‌هایی بود که سبب پیوند با خلافت عباسی می‌شد، مانند، ازدواج خلیفه القائم (۴۶۷ - ۴۲۲) با ارسلان خاتون برادرزاده طغرل با مهریه صد هزار دینار.^۷ این پیوند سبب تحکیم روابط سلجوقیان و عباسیان و سلطه طغرل بر عراق گردید. خانه ارسلان خاتون در بغداد نوعی سفارتخانه محسوب می‌شد و هر کدام از دولتمردان سلجوقی که به بغداد می‌آمدند، به خانه او وارد می‌شدند.^۸

این پیوندهای گاهی باعث جابه‌جایی قدرت سیاسی می‌شد. چنان‌که طغرل با بیوه چغری بیک

۱. همان، ص ۳۱۷.

۲. مستوفی، تاریخ گزیده، ص ۴۵۱ - ۴۵۰.

۳. ابن اثیر، الکامل (تاریخ بزرگ اسلام و ایران)، ج ۷، ص ۲۶.

۴. لمبتون، تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران، ص ۲۸۵.

۵. مستوفی، تاریخ گزیده، ص ۳۵۶.

۶. عوفی، جوامع الحکایات و لوامع الروایات، ص ۱۶۵.

۷. بنداری، تاریخ سلسه سلجوقی، ص ۳ و ۱۲؛ زرکلی، الاعلام، ج ۶، ص ۳۳۴.

۸. همان، ص ۳۸ و ۵۹.

ازدواج کرد و نفوذ او باعث شد تا سلیمان پسر چغری بیک به ولیعهدی انتخاب شود. اگرچه سلیمان به پادشاهی نرسید، بردارش آلپ ارسلان جانشین طغرل شد و سلطنت از طغرل به خاندان چغری یک انتقال یافت.^۱

آلتون جان (م ۴۵۳) همسر طغرل اول با تدبیری هوشمندانه توانست برای نخستین بار خلیفه را به وصلت با امرا و سلاطین متقاعد کند؛ زیرا مرسوم نبود خلفا دختران خود را به یکی از امرا یا سلاطین دهند. وی برای ایجاد این وصلت‌ها، از دارایی شخصی خود نیز هزینه می‌کرد. این بانوی سلجوقی حتی در بستر مرگ نیز سلطان را واداشت با دختر خلیفه عباسی القائم ازدواج کند و برای رسیدن به این هدف، اموال و دارایی خود را برای دختر خلیفه تخصیص داد.^۲

همچنین اسناد تاریخی از ازدواج ارسلان خاتون پس از مرگ القائم با علی بن ابومصور فرامرز از خاندان کاکویه گواهی می‌دهد^۳ که باب وصلت‌های بعدی بین دو دولت را باز کرد.^۴

یکی دیگر از ازدواج‌های تأثیرگذار بانوان سلجوقی، وصلت «گوهر ملک» دختر ملک‌شاه با علاءالدوله مسعود سوم (۵۰۹ - ۴۹۲) پادشاه غزنوی بود.^۵ وی به سبب رفتن به غزنه لقب مهد عراق گرفت و از زنان کاردان دستگاه غزنوی گردید. مهد عراق نقش مهمی در درگیری بین ارسلان شاه غزنوی (۵۱۱ - ۵۰۹) و برادرش بهرام‌شاه (۵۱۱ - ۴۶۸) بر سر کسب قدرت بازی کرد. او از برادرش سنجر خواست تا بهرام‌شاه را به ارسلان شاه تسلیم نکند و با کمک سنجر، ارسلان شاه را نابود و بهرام‌شاه را بر تخت نشاند.^۶ بدین ترتیب خاتون‌های قدرتمند حتی در حکومت‌های دیگر نیز سبب عزل و نصب‌های شاهان و امراء می‌شدند.

زنان سیاست‌مدار سلجوقی گاهی افرادی را برای ازدواج‌های سیاسی و هدفمند تربیت و آماده می‌کردند؛ مانند خاتون سلطان مادر طغرل دوم (حک: ۵۲۹ - ۵۲۶) که شمس‌الدین ایلدگز را از دشت قبیچاق خریداری کرد و کارهای او را در نظر مسعود بن محمد بن ملک‌شاه (حک: ۵۴۷ - ۵۳۲ ق) بزرگ جلوه داد و سلطان را ترغیب کرد تا به ایلدگز مأموریت‌های مهم جنگی دهد. ایلدگز به پاس

۱. لمبتون، ساختار درونی امپراتوری سلجوقی، تاریخ ایران کمبریج، ص ۵۲۷؛ ابن کثیر، البداية والنهاية، ج ۱۲، ص ۸۶

۲. ابن اثیر، الكامل (تاریخ بزرگ اسلام و ایران)، ج ۶، ص ۲۱۲؛ السمعانی، الانساب، ج ۳، ص ۲۶۷.

۳. خاندان کاکویه از دوره آل بویه بر اصفهان حکومت می‌کردند، پس از تصرف اصفهان توسط طغرل حکومت یزد به کاکویه رسید.

۴. بنداری، تاریخ سلسله سلجوقی، ص ۳۹.

۵. حسینی، زبدة التواریخ (اخبار امراء و پادشاهان سلجوقی)، ص ۵۴.

۶. ابن اثیر، الكامل (تاریخ بزرگ اسلام و ایران)، ج ۶، ص ۵۲۰ - ۵۱۹.

خدمات خاتون سلطان، با درگذشت شاه، طغرل را بر تخت نشاند و با خاتون ازدواج کرد. ایلدگز با اینکه تصمیم داشت طغرل را عزل و ارسلان را نصب کند، ولی تا خاتون سلطان زنده بود، جرئت نکرد و پس از مرگ مادر طغرل، جرأت نمود تا تاج سلطانی بر سر ارسلان بگذارد. نقل شده که چون اختیار همه امور به دست ایلدگز بود، ارسلان به مادرش شکایت کرد، ولی مادر به پاس خدمات ایلدگز، شاه را از مخالفت با اتابک اعظم بر حذر داشت. مادر ارسلان در برخی جنگ‌ها مانند حمله به ابخاز ایلدگز را همراهی کرد.^۱ راوندی می‌نویسد: «وقتی سپاه آنان به ابخاز رسید، همت آن خاتون سعید کارگر آمد و ... حمله بردند و شکست بر ابخازیان آمد».^۲

نتیجه

زنان ایرانی پس از ورود اسلام هر زمان که اجازه حضور یافتند، در سیاست مشارکت کردند. در عصر دولت‌های مستقل حاکم بر ایران، زمینه فعالیت‌های اجتماعی زنان فراهم شد، ولی با ورود ترکان آنان جایگاه متمایزی یافتند. باتوجه به اینکه مشارکت سیاسی بیشتر به عمل سیاسی معطوف است و شامل ورود عینی و عملی به عرصه‌های خرد و کلان سیاست اعم از انتخاب حاکمان و امراء، دخالت در تصمیم‌گیری‌های حکومتی و جریان‌سازی سیاسی است، خاتون‌های سلجوقی نقش فعال و مؤثری در امور دولتی داشتند.

حضور مصمم و مقتدرانه این زنان معلول آگاهی سیاسی، قدرت تجزیه و تحلیل و حساسیت نسبت به مسائل کلان حکومتی بود. افزون بر این، اهمیت و جایگاه زنان ترک در خانواده بر اساس نظام قبیله‌ای یکی دیگر از علت‌های تأثیرگذاری آنان بر همسرانشان بود. آنان به عنوان یک ملکه در کنار سلطان وقت، برای خود وزیر و دبیر داشتند و برخی چون ترکان خاتون دارای قصر مجزا بودند؛ این بانوان سیاستمدار در عزل و نصب وزیران و امیران که از بالاترین مناصب حکومتی بودند، دخالت می‌کردند. ملکه‌های ترک گاهی پس از مرگ پادشاه به حکومت‌های نیابتی و موقتی نائل می‌آمدند. همچنین آنان در میدان جنگ دوشا دوش سلطان حرکت کرده و با تشویق همسرانشان نبرد را تا صلح یا پیروزی هدایت می‌کردند. بانوان درباری برای تثبیت و حفظ مقام سلطان به ازدواج‌های سیاسی و ناخواسته نیز تن در داده و در این دوران شاهد وصلت‌های خانوادگی با خلفای عباسی و حاکمان محلی و دولت‌های هم‌جوار می‌باشد.

اگرچه نمی‌توان جنگ قدرت و تلاش زنان سلجوقی را برای تسلط بر تخت پادشاهی و

۱. ابخاز نزدیک باب الابواب در ارمنستان (معجم‌البدان، ذیل ابخاز).

۲. نیشابوری، سلجوق‌نامه، ص ۸۲ - ۸۱.

نگهداشت سلطنت در نسل خود نادیده گرفت، مشارکت آنان علاوه بر میادین سیاسی، در عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، عمرانی و اقدامات نیکوکارانه نیز قابل توجه بوده و منشأ توسعه کشور می‌شد؛ اقداماتی مانند آب رسانی شهر یزد توسط قنات‌هایی که ارسالان خاتون بنا کرد و اطعام روزانه نیازمندان شهر به امر نوه‌های این بانو.

فهرست منابع

۱. ابن اثیر، عزالدین، *الکامل (تاریخ بزرگ اسلام و ایران)*، ترجمه علی هاشمی، تهران، اعلامی، ۱۳۷۲.
۲. ابن جوزی، ابی الفرج، *منتظم*، حیدرآباد دکن، بی‌نا، ۱۳۵۹.
۳. ابن عبری، غریغوریس ابوالفرج، *تاریخ مختصر الدول*، ترجمه محمدعلی تاج‌پور و حشمت‌الله ریاضی، تهران، اطلاعات، ۱۳۶۴.
۴. ابن کثیر، *البدایة و النهایة*، بیروت، دارالفکر، ۱۹۸۶ / ۱۴۰۷.
۵. احمدی، زهت، *زن در تاریخ اسلام از قرن هفتم تا سیزدهم*، تهران، کویر، ۱۳۹۲.
۶. انصاف‌پور، غلامرضا، *ساخت دولت در ایران از اسلام تا یورش مغول*، تهران، امیرکبیر، ۲۵۳۶.
۷. اوچوک، بحریه، «زنان فرمانروا» در دولت‌های اسلامی»، *فصلنامه کتاب زنان*، ش ۳۳، ۱۳۸۶.
۸. باسورث، اوموند، *کلیفورد، سلسله‌های اسلامی*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۱.
۹. بنداری، فتح بن علی، *تاریخ سلسله سلجوقی*، ترجمه محمدحسین جلیلی، بی‌جا، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۶.
۱۰. بیانی، شیرین، *زن در ایران عصر مغول*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۲.
۱۱. بیهقی، ابوالحسن علی بن زید، *تاریخ بیهقی*، تصحیح احمد بهمنیار، تهران، کتابفروشی فروغی، ۱۳۶۱.
۱۲. پیرا، فاطمه، «جنسیت و قدرت در سیاست‌نامه خواجه نظام الملک»، *پژوهش زنان*، ش ۳، ۱۳۸۷.
۱۳. ثواقب، جهانبخش، *زنان فرمانروا*، شیراز، نوید شیراز، ۱۳۸۶.
۱۴. حجازی، بنفشه، *به زیر مقنعه*، تهران، نشر علم، ۱۳۷۶.
۱۵. حسینی، ابوالحسین علی بن ناصر، *زبده التواریخ (اخبار امراء و پادشاهان سلجوقی)*، ترجمه رمضان علی روح‌الهی، تهران، بی‌نا، ۱۳۸۰.
۱۶. حلمی، احمد کمال‌الدین، *دولت سلجوقیان*، ترجمه عبدالله ناصری طاهری، قم انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰.
۱۷. راوندی، محمد بن علی بن سلیمان، *راحة الصدور و آية السرور*، به سعی و تصحیح محمد اقبال، با حواشی و تصحیحات مجتبی مینوی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴.

۱۸. راوندی، مرتضی، *تاریخ اجتماعی ایران*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۶.
۱۹. رجیبی، محمدحسن، *زنان ایرانی و پارسی‌گوی*، تهران، انتشارات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران (سروش)، ۱۳۹۴.
۲۰. زرکلی، خیرالدین، *الاعلام قاموس تراجم لاشهر الرجال و النساء من العرب و المستشرقین*، بیروت، دارالعلم للمابین، ۱۹۸۹.
۲۱. زرگری نژاد، غلامحسین، *نقش اندیشه سیاسی خواجه نظام الملک طوسی در تمرکز قدرت ترکان سلجوقی*، مسکویه، ش ۸، ۱۳۸۷.
۲۲. زرین کوب، عبدالحسین، *نه شرقی نه غربی*، انسانی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۷.
۲۳. سجادی، صادق، *دایرة المعارف تشیع*، ج ۱، زیر نظر احمد صدر، تهران، بنیاد اسلامی طاهر، ۱۳۶۱.
۲۴. سرافرازی، عباس، «تأثیر سیاست نامه (سیرالملوک) خواجه نظام الملک بر ساختار حکومت سلجوقی»، *پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام*، ش ۱۳، ۱۳۹۲.
۲۵. السمعانی، ابوسعید عبدالکریم، *الأنساب*، تحقیق عبدالرحمن بن یحیی المعلمی الیمانی، حیدرآباد، مجلس دایرة المعارف العثمانیه، ۱۳۸۲ ق.
۲۶. سیدی، سید محمد، «خاتون»، *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر محمد کاظم بجنوردی، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۷.
۲۷. صفا، ذبیح الله، *تاریخ ادبیات در ایران از میانه قرن ۵ تا آغاز قرن ۷ هجری*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۶.
۲۸. صفا، ذبیح الله، *تاریخ سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایران*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۶.
۲۹. عوفی، سدیدالدین محمد، *جوامع الحکایات و لوامع الروایات*، تصحیح جعفر شعار، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۶.
۳۰. عوفی، سدیدالدین محمد، *لباب الالباب*، به اهتمام ادوارد براون، لیدن، بریل، ۱۳۴۱.
۳۱. غزالی، محمد بن محمد، *نصیحة الملوک*، تهران، سلسه انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۱.
۳۲. فروزانی، سید ابوالقاسم، *سلجوقیان (از آغاز تا فرجام)*، تهران، سمت، ۱۳۹۴.
۳۳. قزوینی، عبدالجلیل، *بعض مثالب النواصب فی نقض (بعض فضوائح الروافض)*، تصحیح جلال الدین محدث، تهران، انجمن آثار ملی ایران، ۱۳۵۸.
۳۴. قزوینی، قاضی احمد، *تاریخ جهان‌آرا*، تهران، حافظ، ۱۳۴۳.
۳۵. کاپنوری، عبدالرزاق، *زندگانی خواجه نظام الملک*، ترجمه سید مصطفی طباطبائی، تهران، حیدری، ۱۳۵۴.
۳۶. کاتب، احمد بنس حسین بن علی، *تاریخ جدید یزد*، به کوشش ایرج افشار، تهران، ابن سینا، ۱۳۴۵.

۳۷. کرمانی، افضل‌الدین ابوحامد، *سلجوقیان و غز در کرمان*، تحریر میرزا محمد ابراهیم خبیصی، تهران، انتشارات علم، ۱۳۸۶.
۳۸. کلوزنر، کارلا، *دیوان‌سالاری در عهد سلجوقی (وزارت در عهد سلجوقی)*، ترجمه یعقوب آژند، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
۳۹. لمبتون، ان. کی. اس، *تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر نی، ۱۳۷۲.
۴۰. _____، *ساختار درونی امپراتوری سلجوقی، تاریخ ایران کمبریج (از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان)*، گردآورنده جی. آ. بویل، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶.
۴۱. مجهول، *مجمعل التواریخ*، تهران، کلاله خاوری، ۱۳۱۸.
۴۲. محمد بن علی بن محمد (ابن عمرانی)، *الانباء فی تاریخ الخلفاء*، تحقیق قاسم السامرانی، القاهرة، دارالافاق العربیه، ۱۴۲۱ ق.
۴۳. مرنسیسی، فاطمه، *ملکه‌های فراموش شده در سرزمین‌های خلافت اسلامی*، ترجمه حسن اسدی، تهران، مولی، ۱۳۹۳.
۴۴. مستوفی، حمدالله، *تاریخ گزیده*، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۱.
۴۵. مقدم گل محمدی، محمد، *مروری بر پیشینه زنان ایران در دوران تاریخ*، تهران، اقبال، ۱۳۹۱.
۴۶. منصور، علی، «بررسی تطبیقی اندیشه سیاسی ابوحامد محمد غزالی و خواجه نظام‌الملک طوسی»، *سخن تاریخ*، ش ۱۵، ۱۳۹۰.
۴۷. منفرد، افسانه، «خاتون»، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۱۴، زیر نظر غلامعلی حدادعادل، تهران، بنیاد دایرة المعارف اسلامی، ۱۳۹۳.
۴۸. موسوی روضاتی، مریم دخت، *گنجنامه: فرهنگ آثار معماری اسلامی ایران*، مساجد جامع، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۳.
۴۹. موسوی، مصطفی، «ترکان خاتون»، *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر محمد کاظم بجنوردی، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۶.
۵۰. میرعابدینی، ایران، «ترکان خاتون»، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۷، زیر نظر غلامعلی حداد، تهران، بنیاد دایرة المعارف اسلامی، ۱۳۹۳.
۵۱. نظام‌الملک، حسن بن علی، *سیر الملوک (سیاستنامه) به اهتمام هیوبرت دارک*، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
۵۲. نوربخش، مسعود، *با کاروان تاریخ*، تهران، نشر ایران‌شهر، ۱۳۷۰.
۵۳. نیشابوری، ظهیرالدین - ظهیری، *سلجوقنامه*، تهران، کلاله خاور، ۱۳۳۲.

